

[کلام محقق اصفهانی در علامیت حمل شایع 2](#_Toc27505334)

[استثنای دو مورد از حمل شایع 3](#_Toc27505335)

[تطبیق ضابطه استعلام حقیقت 4](#_Toc27505336)

**موضوع**: کلام محقق اصفهانی /صحت حمل /علائم وضع

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در کلام مرحوم اصفهانی در علامیت صحت حمل شایع بود.

ایشان در حمل شایع تفصیل داده و فرمودند اگر حمل کلی بر فرد باشد، کشف از حقیقت می شود مانند زید انسان اما در غیر این صورت دلیل بر حقیقت نیست چه حمل مساوی بر مساوی مثل الناطق ضاحک و یا عام بر اخص مثل الناطق حیوان، البته دو استثناء وجود دارد که مرجع این دو استثنا به حمل کلی بر فرد است.

در حمل شایع کلی بر فرد، کشف از حقیقی بودن استعمال و حدود معنا می شود؛ لذا بر خلاف آنچه مرحوم آخوند فرموده و حمل شایع را تنها کاشف از حقیقی بودن استعمال و از افراد معنی بودن می دانستند، اما مرحوم اصفهانی در حمل شایع کلی بر فرد، حدود معنا را نیز کشف می کنند.

مراد ایشان این است که محمول کلی که بر موضوع حمل می شود، باید مقوم موضوع در ماهیت باشد، اما نه به صورت مساوی و مرادف. به عنوان مثال در «زید انسان» هم استعمال صحیح است هم معنا کشف می شود؛ زیرا موضوع، در حقیقت و ماهیت خود مشتمل بر حصه ای از کلی (انسان) است؛ چرا که حقیقت زید، حیوان ناطق است و لذا زید مشتمل بر انسان خواهد بود؛ اما لازم است حصه ای از کلی در ضمن ذات و ماهیت موضوع باشد بنابر این در «زید ضاحک» هر چند که حصه ای از ضحک در ضمن زید محقق است اما کشف از حقیقت نمی کند؛ زیرا حمل کلی بر فرد در صورتی کاشف از حقیقی بودن استعمال است که کلی محمول، در ضمن موضوع مقوم ماهیت باشد، مثلا در «زید انسان» چون زید در حقیقت و ماهیت مشتمل بر انسانیت است، از این استعمال، کشف معنای حقیقی انسان می شود.

پس در حمل عرضی، کشف از حقیقت نمی شود اما در حمل ذاتی، کشف از حقیقت می شود.

سپس متعرض کلام محقق رشتی می شوند. محقق رشتی قضیه «زید انسان» را به حمل اولی ارجاع دادند؛ زیرا حمل زید بر انسان به اعتبار انسانیت زید و با قطع نظر از خصوصیات است و لذا مرجع این قضایا به حمل اولی است.

سپس در جواب فرمودند که در مقام استعلام حقیقت، از خصوصیات قطع نظر می شود؛ یعنی مصحح استعمال انسان در مورد زید این است که خصوصیات زید دخیل در نظر نبوده است بلکه اشتمال زید بر حصه ای از انسانیت ملاحظه شده است، پس استعمال حقیقی انسان تنها در دو مورد است یا حمل اولی که اتحاد و تساوی مفهومی بین موضوع و محمول است و یا حمل شایع که اشتمال ذات موضوع بر حصه ای از محمول است.

اما در مقام حمل، خصوصیات لحاظ می شود و زید با تمام خصوصیات، موضوع قرار می گیرد؛ زیرا ملاک در حمل شایع تصادق در وجود است و بین وجود زید و انسان اتحاد وجودی است نه اتحاد مفهومی پس حمل شایع و به ملاک تصادق وجودی بوده است.

بنابر این در مقام حمل، خصوصیات لحاظ می شود اما در مقام استعلام حقیقت، خصوصیات لحاظ نمی شود، ولی محقق رشتی بین این دو مقام خلط نمودند.

# کلام محقق اصفهانی در علامیت حمل شایع

حمل شایع تنها در مورد حمل کلی بر فرد، که موضوع در ذات و ماهیت، مشتمل بر حصه ای از محمول است، کشف از معنای حقیقی می شود و حدود معنا نیز مشخص می شود؛ زیرا در مثل«زید انسان» زید در ذات و ماهیت خودش، مشتمل بر حصه ای از انسان است و تا زمانی که حقیقت و مفهوم انسان روشن نشود، اشتمال حقیقت زید بر انسان نیز معلوم نمی شود پس حمل انسان بر زید تابع شناخت مفهوم انسان است لذا حمل شایع در این مورد، بر خلاف نظر مرحوم آخوند؛ علاوه بر صحت و صدق استعمال، حد معنا را نیز مشخص می کند. اما در غیر از این مورد معنای حقیقی مشخص نمی شود؛ زیرا ملاک کشف حقیقت، صرف تصادق در وجود و صحت حمل شایع نیست بلکه نیاز به کشف ماهیت است که در حمل شایع تنها در موردی که در ماهیت موضوع مشتمل بر حصه ای از محمول باشد، و حمل کلی بر فرد باشد، کشف حقیقت می شود.

بنابر این در مثل «الناطق حیوان» که حمل دو ذاتی بر یکدیگر است و یا «الناطق ضاحک» و «الناطق ماش» که حمل معروض بر عرض است، معنای حقیقی مشخص نمی شود؛ زیرا در حمل «الناطق ضاحک» مفهوم و حقیقت ضاحک و ناطق متفاوت است و یکی عرض است و دیگری ذاتی است پس دو مفهوم متفاوت هستند که تصادق در وجود دارند و ترکیب بین آنها انضمامی است مثل ترکیب دیوار و رنگ بیاض که ترکیب انضمامی دارند و دو حقیقت و ماهیت هستند. در حمل «الناطق حیوان» نیز هر چند که طبق نظر صحیح، ناطق و حیوان ترکیب اتحادی دارند و وجود واحدی ناطق و حیوان است یعنی حقیقت واحده، حیثیت حیوانیت و حیثیت ناطقیت دارد نه اینکه وجود هر یک مستقل و منضم به وجود دیگری باشد؛ اما ماهیت ناطق که حیث ممیز انسان است و ماهیت حیوان که حیث مشترک انسان است ماهیت واحد نیستند.[[1]](#footnote-1)

بنابر این کلام محقق اصفهانی این است که ملاک در استعلام حقیقت، مجرد صحت حمل نیست بلکه یا باید بین موضوع و محمول اتحاد مفهومی باشد مانند «حیوان ناطق انسان» یا اینکه ماهیت و حقیقت موضوع، مشتمل بر حصه ای از محمول باشد مانند « زید انسان» اما در غیر این دو مورد، صحت حمل، دلالتی بر معنای حقیقی ندارد و تفاوتی ندارد که محمول اعم از موضوع باشد مانند « الانسان ماش» یا محمول مساوی از موضوع باشد مانند« الانسان ضاحک» و یا اینکه موضوع و محمول در وجود خارجی متحد باشند مانند «الناطق حیوان» که ترکیب حیوان و ناطق اتحادی است اما تمام این موارد کشف از حقیقت نمی کنند؛ زیرا مبدا محمول و موضوع متفاوت هستند و ذات موضوع مشتمل بر محمول نیست.[[2]](#footnote-2)

## استثنای دو مورد از حمل شایع

محقق اصفهانی می فرمایند هر چند که حمل مساوی بر مساوی یا اعم بر اخص، دلالت بر معنای حقیقی ندارد اما دو مورد استثنا می شود.

1- از حمل مساوی بر مساوی، حمل فصل بر نوع مانند « الانسان ناطق» استثنا می شود؛ زیرا ذات انسان مشتمل بر حصه ای از ناطق است و همانطور که در «زید انسان» گفته شد ذات زید مشتمل بر انسانیت است، در « الانسان ناطق» نیز ذات انسان مشتمل بر ناطقیت است.

2- از حمل اعم بر اخص، حمل جنس بر نوع مانند« الانسان حیوان» استثنا می شود؛ زیرا در این مورد نیز ذات انسان مشتمل بر حیوانیت است هر چند که خصوصیت دیگری نیز دارد.

بنابر این حمل شایع تنها در سه قسم کشف از حقیقت نمود.1- حمل کلی بر فرد 2- حمل فصل بر نوع 3- حمل جنس بر نوع

که در حقیقت همگی این اقسام یک ملاک دارند که این ملاک « اشتمال موضوع بر حصه ای از محمول» است. در غیر این سه مورد تصادق در وجود است اما کشف از حقیقت نمی شود.[[3]](#footnote-3)

### تطبیق ضابطه استعلام حقیقت

در «الانسان ابیض» حمل صحیح است و کشف از حقیقت می شود؛ هر چند که ذات انسان، مشتمل بر ابیض نیست؛ زیرا مرجع این قضیه به حمل کلی بر فرد است به این بیان که: ابیض، مشتمل بر مبدا اشتقاقی بیاض و هیئت اتصافی است. در حمل ابیض بر انسان، اگر شک در معنا و مفهوم هیئت باشد، با حمل شایع معنا روشن نمی شود چون حمل کلی بر فرد نیست؛ اما از آنجا که شکی در مفاد هیئت نیست؛ پس شک در معنای ماده بیاض داریم و لذا می توان با صحت حمل بیاض بر انسان کشف از معنای بیاض نمود؛ زیرا حصه ای از بیاض، در ضمن انسان ابیض وجود دارد و در حقیقت انسان بما هو ابیض موضوع است پس اگر در مفهوم بیاض شک شود می توان به صحت حمل ابیض بر انسان سفید تمسک نمود؛ زیرا هر چند که بیاض در ذات انسان نیست اما صرف حمل کلی بر فرد در علامیت حقیقت، کفایت می کند.[[4]](#footnote-4)

1. مرحوم خویی مطلقا در حمل شایع، منکر علامیت شدند اما محقق اصفهانی در مساله تفصیل می دهند [↑](#footnote-ref-1)
2. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص82.](http://lib.eshia.ir/27897/1/82/متساویین) [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص83.](http://lib.eshia.ir/27897/1/83/نعم) [↑](#footnote-ref-3)
4. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص84.](http://lib.eshia.ir/27897/1/84/کحمل) [↑](#footnote-ref-4)